

اشاره:

رهبری نظام در طول دو دهه اخیر، به عنوان سکندار کشتی انقلاب، در حوادث و توفان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مختلف توانسته‌اند با هوشیاری تمام، با حداکثر نیروهای انقلاب، راه امام را ادامه دهند و در این مسیر به عنوان تکیه‌گاهی مطمئن و دیده‌بانی بصیر و راه‌دان، انقلاب را به سرمنزل مقصود رهنمون شوند؛ آن‌گونه که به اعتراف دوست و دشمن، ایشان موجب احترام به نظام جمهوری اسلامی در سرتاسر عالم شده‌اند. محبوبیت، اقتدار، نفوذ در بین خبرگان داخلی و خارجی و شخصیت‌های مستقل بین‌المللی، مدیریت عالی و هوشمندانه، شهامت و ایثار، پاکي و زهد و حق‌مداری و ... باعث می‌شود که بسیاری از حسادت‌ها و مخالفت‌ها علیه ایشان ساماندهی شود و این قلب تپنده انقلاب، مورد تهاجم ناجوانمردانه دشمنان و کینه‌توزان اسلام و انقلاب واقع شوند.

شکست دنیای کفر و عوامل وابسته به آن در رویارویی با ولی فقیه

عبور موسای انقلاب از نیل

بابک بابازاده



درگیری اپوزیسیون داخلی با رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی طی دو دهه اخیر

انقلاب اسلامی ایران به دلیل ماهیت اسلامی و استکبارستیزی و نفی هرگونه سلطه‌طلبی و سلطه‌پذیری برآمده از آن، همواره مورد کینه و دشمنی معاندان و دشمنان داخلی و خارجی بوده است و آنان از همان آغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تمام کوشش خویش را برای مقابله با انقلاب اسلامی به کار بستند و از هیچ تلاشی در این راه فرو گذار نمودند. نگاهی گذرا به فهرست اقدامات استکبار جهانی و ایادی داخلی آن در مقابله با انقلاب اسلامی، به خوبی عمق کینه و دشمنی آنان با انقلاب اسلامی را آشکار می‌سازد: به راهاندازی جنگ تحمیلی و مداخله آشکار در آن، حمایت از سازمان منافقین در انجام عملیات تروریستی و برهم زدن امنیت کشور، به راه انداختن اختلافات قومی و قبیله‌ای و حمایت از آن، تشکیل گروه‌های مختلف اپوزیسیون، اعمال تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی و تبلیغات گسترده رسانه‌ای علیه انقلاب اسلامی و... تنها بخشی از این فهرست ننگین است و هر چه انقلاب اسلامی به پیش رفته، بر حجم این دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌ها افزوده شده است. پس از رحلت امام خمینی ره از یک سو دشمنی‌های استکبار جهانی شدت بیشتری به خود گرفت و در شکل‌های دیگری نمایان گشت تا به گونه‌ای سد راه حرکت نظام جمهوری اسلامی شوند و از سوی دیگر در عرصه داخلی نیز برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی با عملکرد خود به مقابله با نظام و رهبری پرداخته و اقتدار و ایهت و مشروعیت سیاسی و قانونی و شرعی رهبری را با هدف تضعیف و فروپاشی از درون، مورد حمله سنگین قرار دادند. اگر هوشیاری و تدبیر مقام معظم رهبری در مواجهه با این جریان‌ها و مدیریت صحیح آنها نبود، کشور سرنوشت دیگری پیدا می‌کرد. در حقیقت، مقام معظم رهبری بسان ناخدایی توانمند، سکان کشتی انقلاب اسلامی را در میان امواج، توفان‌ها و بحران‌های شدید سیاسی به سلامت به ساحل نجات رهنمون ساخته است.

دوران به قدرت رسیدن طیفی از تجدیدنظرطلبان در دوره موسوم به «توسعه سیاسی» را باید جزو تلخ‌ترین و سخت‌ترین دوران حیات انقلاب اسلامی به شمار آورد؛ هرچند زمینه‌سازی و پرورش نیروهای این جریان غرب‌زده، در دوران حاکمیت تکنوکرات‌های غرب‌زده در دولت‌سازندگی کلید خورد. دورانی که شاهد بروز و ظهور فتنه‌هایی چون قتل‌های زنجیره‌ای، شبه‌کودتای ۱۸ تیر، یکه‌تازی مطبوعات زنجیره‌ای و فضای به شدت ملتهب سیاسی کشور بودیم. قصه تلخ قتل‌های زنجیره‌ای با هدف فرمان آتش به سوی نظام طراحی شده بود و به خاطر آن تبلیغات گسترده‌ای به راه افتاد که هیچ تناسبی با وزن واقعی آن نداشت. واقعه‌ای که به جای ریشه‌یابی، توسط برخی گروه‌های فرصت‌طلب و وابسته یا همان اپوزیسیون نفوذ کرده در بدنه اجرایی جمهوری اسلامی ایران، به ریشه‌سازی کشیده شده بود و محوری‌ترین شخصیت‌ها و بنیادی‌ترین نهادهای نظام را با آتشبار فریب و خدعه و نیرنگ، به مسلخ کشانده بودند. توطنه‌ای که با هدف دامن زدن به تنازعات داخلی و فراگیر نمودن آتش جنگ داخلی، ارکان نظام اسلامی را نشانه رفته بود و این تهدید بنیان‌افکن، با سرپنجه تدابیر رهبری، به فرصتی برای پالایش نظام از نیروهای نفوذی و موجب شکل‌گیری صف‌بندی جدیدی به نام نیروهای خودی و غیرخودی در جریان‌های سیاسی کشور گردید.

شکل‌گیری مطبوعات زنجیره‌ای که در جهت اجرای پروژه‌هایی چون نافرمانی مدنی، استحاله از درون، براندازی خاموش، مقاومت مدنی، مشروعیت دوگانه، فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا، عبور از خاتمی و... تدارک دیده شده بود؛ با شجاعت و میدان‌داری رهبری به تسخیر نیروهای نظام درآمدند تا یکی از مستحکم‌ترین و مؤثرترین پایگاه‌های

دشمن که «عبدالله بن ابی‌ها» در آن موضع گرفته و در اندیشه فروپاشی نظام اسلامی بودند، دچار اضمحلال و فروپاشی گردد.

برخورد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب با پروژه‌هایی چون فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا و یا پروژه فروپاشی از درون؛ گواهی دیگر بر برخورد امام‌گونه ایشان با مخاطرات پیش روی انقلاب است. معظم‌له در پاسخ به مدعیان پروژه فشار، با صراحت اعلام کردند: «اگر فشار بیاورید، حادثه کربلا تکرار خواهد شد؛ نه صلح امام حسن ره و در پاسخ به سردمداران پروژه فشار و استحاله از درون فرمودند:

«اصلاحات در ذات و هویت انقلاب است، درحالی که برخی به دنبال نقش‌آفرینی هم‌زمان یلتسینی و گورباچفی هستند. اینها اشتباه اول‌شان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دوم‌شان این است که اسلام، کمونسیم نیست. اشتباه سوم‌شان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست. اشتباه چهارم‌شان این است که ایران یکپارچه، شوروی متشکل از سرزمین‌های به هم سنجاق شده، نیست و اشتباه پنجم‌شان هم این است که نقش بی‌بدیل رهبری در ایران شسوخ نیست»

تدبیر امام‌گونه رهبر معظم انقلاب در برخورد با شبه‌کودتای ۱۸ تیر ۷۸، تالو دیگری از هنر رهبری و هدایت ایشان است. حادثه‌ای که با طراحی نیروهای خارجی و صحنه‌گردانی اپوزیسیون داخلی و بازیگری گروهی از ارادل و اوباش و تعدادی دانشجو‌نما که بازیچه سیاست‌بازان حرفه‌ای شده بودند، اتفاق افتاد؛ اما با اقتدار و تدبیر رهبری، بساط آن برچیده شد تا آرامش و امنیت به جامعه اسلامی مان لبخند زدند.

یکی از بحران‌های شدیدی که نظام جمهوری اسلامی را با مشکلات زیادی روبرو نمود، حوادث پس از انتخابات اخیر ریاست جمهوری بود. آنچه پس از انتخابات رخ داد، در لایه ظاهری، اعتراض به نتیجه انتخابات با ادعای واهی تقلب بدون هیچ‌گونه دلیل و مدرکی و با استفاده از روش‌های غیرقانونی و کشاندن اعتراضات به سطح خیابان‌ها بود؛ در حالی که راه حل قانونی برای این مسئله وجود داشت. انتظار این بود کسانی که معتقد به نظام اسلامی بوده و سالیان زیادی به نظام خدمت نموده و قانون‌گرایی و احترام به قانون را از برنامه‌های اصلی خود معرفی نموده بودند، از طریق مجاری قانونی، مطالبات و ادعاهای خود را پیگیری نمایند؛ ولی متأسفانه اصرار بر پیمودن مسیرهای غیرقانونی برای پیگیری مطالبات، منجر به بروز تشنج‌ها و برهم خوردن نظم و امنیت و آرامش مردم شد.

در پس پرده حوادث رخ داده و لایه زیرین آن، تلاش برای برهم زدن امنیت و آرامش کشور و براندازی نظام و مقابله با نظام اسلامی در سایه حوادث و آشوب‌های خیابانی تحت عنوان اعتراض به انتخابات، در دستور کار دشمنان و بدخواهان داخلی و خارجی نظام قرار گرفت و مخالفان نظام تمام تلاش خویش را برای سوء استفاده از فضای به دست آمده و به اصطلاح ماهی گرفتن از آب گل‌آلود به کار بستند. سیل عظیم تبلیغات منفی رسانه‌های غربی و پوشش گسترده حوادث و بزرگ‌نمایی‌ها و سیاه‌کاری‌های صورت گرفته توسط آنها و حمایت کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان - که دشمنی آنان بر مردم ایران پوشیده نبوده و نیست - و این بار تحت لوای حمایت از مردم ایران و آزادی به میدان آمده بودند، شاهد گویایی بر برنامه‌ریزی دشمنان در این مسئله بود.

مقام معظم رهبری چند ماه پیش از آغاز این بحران، با شناخت عمیقی

مقام معظم رهبری
چند ماه پیش از
آغاز این بحران، با
شناخت عمیقی که
از هدف دشمنان
انقلاب برای ضربه
زدن به اعتماد
و اطمینان مردم
نسبت به نظام به
منظور تضعیف
مشروعیت آن،
داشتند، نسبت به
هدف دشمن هشدار
دادند.



کیان تاجبخش

کیان تاجبخش از جاسوسان دستگیر شده و از عوامل کودتای نرم در ایران، در اعترافات خود می‌گوید: «کودتای مخملی دارای سه بازو است که هر یک با تعدادی از بنیادهای آمریکایی مرتبطند؛ بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی که نوعی تقسیم کار بین آنها صورت پذیرفته است.»

عباس میلانی از دیگر طراحان این فتنه می‌گوید: «پروژه دموکراسی در ایران، پیرامون فرهنگ عامه مردم ایران مانند موسیقی، وبلاگ‌ها و مسایل جنسی کار می‌کند. بخش دانشجویی این مؤسسه با حلقه کیان و جریان دکتر سروش ارتباط می‌گیرد و افرادی همچون فاطمه حقیقت‌جو - نماینده مجلس ششم که اکنون به آمریکا پناهنده شده است - و آرش نراقی و نیز حزب کارگزاران سازندگی به‌ویژه عطریانفر، در این پروژه به آنان کمک کردند.»



عباس میلانی

الف) بازوی فکری: دارای زیرمجموعه‌های روشنفکری مذهبی، روشنفکری سکولار، سرمایه‌داری، سیاست خارجی، ادبیات و... می‌باشد. محوریت و رهبری اینان را دکتر سروش و سیدمحمد خاتمی بر عهده داشتند و توسعه سیاسی و جامعه مدنی و آزادی خواهی معطوف به غرب، از همین منظر طراحی شدند.

ب) بازوی اجرایی: دارای شش زیرمجموعه است:

زنان: شامل خانم‌ها شادی صدر، شیرین عبادی و پروین اردلان که با آمریکایی‌ها و NGOهای هلندی در تماس هستند.

قومی نژادی: از طریق گروه‌های ملی مذهبی و شیرین عبادی فعالیت می‌کنند.

حقوق بشر: آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها با حربه حقوق بشر تلاش

که از هدف دشمنان انقلاب برای ضربه زدن به اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام به منظور تضعیف مشروعیت آن داشتند، نسبت به این هدف هشدار دادند و فرمودند:

«من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است - در حدود سسی انتخابات - مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بی‌خود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟»^۱

ایشان در جریان بحران، با چند اقدام و موضع‌گیری صریح، ضمن ترسیم ابعاد مختلف این حادثه و زوایای مختلف و ابعاد داخلی و خارجی آن، به گونه‌ای شایسته با آن برخورد نمودند و بار دیگر نقش بی‌بدیل رهبری نظام را در هدایت نظام جمهوری اسلامی از فراز و نشیب‌های مختلف، در معرض دید همگان قرار دادند. وابستگی مخالفان نظام به آمریکا و کشورهای غربی، از بدیهی‌ترین مسائل مطرح در این باب است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

«امروز آمریکایی‌ها هدف‌های خود را آشکار بیان می‌کنند؛ این هم یکی از نکبت‌های خدا برای مستکبران است. می‌گویند ما در ایران به کسانی که به اهداف آمریکایی‌ها کمک کنند، کمک مالی می‌کنیم. این‌ها ملت ما را نشناخته‌اند؛ لذا صریحاً سخن از این می‌گویند که ما می‌خواهیم در داخل ایران با پول، معارض و به قول خودشان؛ ایوژیسیون درست کنیم. همه باید بدانند؛ کسی که با پول آمریکا و با حمایت دولتمردان آمریکا بخواهد برای منافع آمریکا کار کند و قیافه ایوژیسیون به خودش بگیرد، در چشم ملت ایران منفورترین انسان است.»^۲

دشمنان و ایوژیسیون داخلی، برای ضربه زدن به انقلاب و اسلام، از سال‌ها قبل - تقریباً از دوران سازندگی - به شکل رسمی به دنبال کودتای مخملی و مقابله با نظام بودند. شواهد تاریخی گویای این واقعیت است که زمینه‌سازی انقلاب مخملی، پس از دوران تاریخ‌ساز دفاع مقدس، در دستور کار نظام سلطه قرار گرفت و آن را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری و... تئوری پردازی و اجرا نمودند. تخریب‌های فکری و تئوریک دکتر سروش و بشیریه در دانشگاه‌ها، بازسازی تشکیلات سیاسی ملی مذهبی‌ها، تقویت NGOها، ارتباط آشکار و پنهان با تشکل‌های دانشجویی به‌ویژه دفتر تحکیم وحدت و نیز احزاب و گروه‌های سیاسی، نفوذ در مطبوعات و روزنامه‌ها تا جایی که روزنامه‌های زنجیره‌ای اصلاح طلب عملاً به پایگاه دشمن و فرودگاه افکار و اندیشه‌های غربی تبدیل شدند و مقام معظم رهبری آنها را «شارلاتانیزم مطبوعاتی» نامیدند. متهمان دستگیر شده اعتراف کردند که از زمان مسئولیت سید محمد خاتمی در روزنامه کیهان و پیروی وی از افکار دکتر سروش، این توطئه‌ها قوت گرفته و در دوران حاکمیت اصلاح‌طلبان، نقاب از چهره برگرفتند و بی‌پروا به تغییرات در تمامی عرصه‌های نظام پرداختند و در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ۸۸، آخرین حلقه این فتنه را عملیاتی کردند.

با توجه به قدرت مدیریت رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای در ۲۰ سال اخیر و ناکامی دشمنان و مخالفان در رسیدن به اهداف خود، شاهد اوج‌گیری حملات به ایشان می‌باشیم که به اشکال و ابزارهای گوناگون تا به حال صورت گرفته است.

می کردند کشورمان را در مجامع بین‌المللی مورد تهدید و تحریم قرار دهند.

کارگری: اعتصاب سندیکای اتوبوس‌رانی و سندیکای کارگری از این جمله بودند.

NGOها: این زیرمجموعه در دوران حاکمیت اصلاح‌طلبان در قوه مجریه و مقننه تقویت شد و بیشتر با مدیریت سهراب رزاقی مدیر NGOها در وزارت کشور دولت اصلاحات که مبلغ دو میلیون یورو تنها در یک قلم از مؤسسات هلندی دریافت کرده بود، اداره می‌شدند. دانشجویی: دفتر تحکیم وحدت طیف علامه، بازوی نیرومند انقلاب مخملی بود که اوج توطئه آنها را در جریان ۱۸ تیر ۷۸ شاهد بودیم.

ج) بازوی رسانه‌ای: شبکه‌های اینترنتی، رادیوها و تلویزیون‌های فارسی‌زبان که توسط غربی‌ها راه‌اندازی شدند، روزنامه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب که به‌طور کامل در اختیار انقلاب مخملی و همسو با غرب بودند، سایت‌ها و وبلاگ‌های طراحی شده توسط عناصر اصلاح‌طلب و مجله کیهان فرهنگی که با محوریت سیدمحمد خاتمی و دکتر سروش راه‌اندازی شده بود، مهم‌ترین ابزار و شیوه‌های این فرایند به‌شمار می‌روند.^۳

گروه‌های اپوزیسیون در نظام جمهوری اسلامی ایران، متشکل از سیاسیون و گروه‌ها و جریانات دخیل در انقلاب اسلامی (که پس از فروکش کردن تب انقلاب، نیات و درونیات خود را بروز می‌دادند) و نیز گروه‌های سلطنت‌طلب و کمونیست و غرب‌زده و افراد فاسد و مبتلا به فسادهای اقتصادی و سیاسی و اعتقادی می‌باشند. با توجه به اختلافات عدیده اعتقادی و مبنایی این جریانات، هدف نهایی همه این گروه‌ها در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن‌هم برچیدن بساط جمهوری اسلامی ایران و محوریت و عمود خیمه آن؛ یعنی ولایت مطلقه فقیه. با توجه به قدرت مدیریت رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای در ۲۰ سال اخیر و ناکامی دشمنان و مخالفان در رسیدن به اهداف خود، شاهد اوج‌گیری حملات به ایشان می‌باشیم که به اشکال و ابزارهای گوناگون تا به حال صورت گرفته است. سؤال محوری در این مرحله این است که: روش‌ها و ابزارهای برخورد اپوزیسیون با رهبری نظام چیست؟

حضرت آقا در بخشی از بیانات خود در سال ۶۹، به گوشه‌ای از روش‌های مخالفان اشاره می‌کنند:

همه باید بدانند؛ کسی که با پول آمریکا و با حمایت دولت‌مردان آمریکا بخواهد برای منافع آمریکا کار کند و قیافه اپوزیسیون به خودش بگیرد، در چشم ملت ایران منفورترین انسان است.»

«انسان گاهی در رادیوها یا در اطلاعیه‌هایی که مخالفان انقلاب می‌نویسند، چیزهایی می‌شنوند و یا می‌خوانند که تعجب می‌کند این‌ها را از کجا می‌آورند. علت اینکه تبلیغات جهانی سعی می‌کنند مشکلاتی را که در ایران نیست، به ایران نسبت بدهند، آنچه را که کوچک است، ده برابر و صد برابر بزرگتر کنند؛ این است که می‌خواهند مردم دنیا را نسبت به مسائل ایران، دچار یأس و ناامیدی کنند. می‌خواهند بگویند که اسلام و انقلاب این است و انقلاب و اسلام نمی‌توانند یک کشور و ملت را اداره کنند و سعادت‌مند نمایند. عزت و بیداری و شجاعت و تسلیم‌ناپذیری ملت ایران، بانشاط شدن این نسل انقلابی، ایتکار و فعالیت و حرکت به سمت خودکفایی در ایران را ندیده می‌گیرند؛ اما فرضاً اگر سیب‌زمینی یک چند روزی کم است، تمام رادیوهای دنیا می‌گویند که در ایران مسئله سیب‌زمینی وجود دارد! نه برای خاطر اینکه سیب‌زمینی مهم است؛ بلکه به این دلیل که نشان دادن حتی یک نقطه‌ضعف کوچک در ایران اسلامی، برای آن‌ها خیلی مهم است. اگر یک نقطه‌ضعف کوچک پیدا کردند، برای آن‌ها فوزی است و خوشحال می‌شوند. شما

باید سعی کنید ایران را آن‌چنان بسازید که برای اسلام و مسلمین، مایه افتخار باشد»^۴.

می‌بینیم که شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی و بسیاری از روش‌های دیگر که به آنها اشاره خواهد شد، از شگردهای تبلیغاتی دشمنان و جریانات اپوزیسیون می‌باشد. روش‌های مورد استفاده در مقابله با رهبری نظام، در سطوح مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است که به اجمال به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱- شایعه‌سازی:

شایعه‌دخال‌ت فرزندان رهبر معظم انقلاب در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۸۸

۲- دروغ‌پردازی

نامه دروغین وزیر کشور به رهبر انقلاب در خصوص نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ و تکثیر و پخش گسترده آن در سطح شهر تهران یا دروغ بزرگ و اریز مبلغی از پول هر ماشین فروخته شده ایران خودرو به حساب رهبری.

۳- نسبت‌های ناروا

انتساب فساد اقتصادی و سیاسی به نزدیکان و افراد مرتبط با رهبری، انتقال هزاران میلیارد دلار پول و طلا از طریق مرز ترکیه به اروپا.

۴- جریان‌سازی

ایجاد جریان‌های مقطعی در مقابل رهبری انقلاب، جریان اصلاحات و جریان انحرافی در دولت دهم.

۵- بزرگ‌نمایی مشکلات

بزرگ‌نمایی مشکلات اقتصادی و سیاسی و امنیتی و اجتماعی به منظور القاء ناکارآمدی؛ با نادیده‌انگاری مشکلات و بحران‌های اقتصادی و وجود فساد و فحشا توسط خود غربی‌ها و غرب‌زده‌ها توسط رسانه‌های جمعی و نوشتاری.

۶- ناتوان‌نمایی

بزرگ‌نمایی اختلافات و عدم پوشش مصالح نظام و کشور به منظور ناتوان‌نمایی شخص رهبری در حل معضلات. آنان سکوت حکیمانه و یا عملکرد غیر تبلیغاتی رهبری در مقابله با مشکلات را به عنوان فرصتی برای ناتوان‌نمایی دانسته و اقدام به تبلیغات گسترده رسانه‌ای می‌کنند.

۷- اختلاف‌افکنی

ایجاد اختلاف توسط نفوذی‌های خود در بدنه حاکمیت در بین مقامات عالی‌کسری و یا سوء استفاده از اشخاص و جریانات زخم‌خورده از انقلاب و امام همچون منتظری و دار و دسته مهدی هاشمی و ... برای عقده‌گشایی از عملکرد رهبری معظم انقلاب.

۸- تضعیف جایگاه

به‌سخره گرفتن و ایجاد شبهه در مورد مشروعیت الهی جایگاه ولایت فقیه و توسل به تمسخر و طنزسازی.

۹- تضعیف شخصیت

ایجاد شبهه در مورد مصداق ولایت فقیه و یا تجلیل از فقهایی که به دور از مسائل سیاسی هستند و مطرح کردن کسانی که قدرت و تشخیص لازم سیاسی را ندارند.

۱۰- رقیب‌سازی

سوء استفاده از ناراحتی‌ها و عقده‌های کسانی که در داخل روحانیت نسبت به شخص مقام معظم رهبری کینه و ناراحتی دارند.

۱۱- مرجع‌تراشی

در جریان انتخابات ریاست جمهوری دهم و فتنه ۸۸، توجه بیشتری به این نکته شد و از کسانی که در سطوح پایینی از فقهات و اجتهاد بودند، به عنوان مراجع تقلید شیعه نام برده شد و از مواضع آنها بسیار سوء استفاده گردید.



▲ شیخ خالد عبدالوهاب الملا (رئیس مجمع علمای اهل سنت جنوب عراق)

الگو شدن ایران در سایه تلاش‌های خالصانه ایشان برای کشورهای دیگر، یکی دیگر از عواملی است که کشورهای غربی را به واکنش منفی واداشته و به صورت ناجوانمردانه به ترور شخصیت ایشان می‌پردازند. در قسمت‌هایی از کلام رهبر معظم انقلاب، این الگو شدن توسط دیگران به زیبایی بیان شده است:

«شما می‌بینید کشورهای هم در آسیا و آفریقا هستند که در مقابل خواسته‌های آمریکا با گستاخی و قدرت تمام می‌ایستند. این امر ناشی از الگوگیری از ایران اسلامی است. البته مخالفان و دشمنان ما، این کار را از سبب‌های جمهوری اسلامی و دولت ایران می‌دانند. آن کسانی که به خیال خودشان سبب‌های جمهوری اسلامی را می‌شمردند و جرائمش را سباهه می‌کردند، یکی از مواردی که نام می‌برند این بود که ایران برای کشورهای دیگر الگو شده است. حق هم با آن‌هاست. امروز ایران اسلامی در دنیا وضعیت این گونه است. از نظر سیاست بین‌الملل، بحمدالله اقتدار و آبروی جهانی و نفوذ در بسیاری از مناطق دارد و در داخل کشور نیز از امکانات و مردم ممتاز و آینده‌خیزی خوب برخوردار است.»^۱

پی‌نوشت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات معظم له در جمع مجاوران و زائران حرم رضوی علیه‌السلام، ۱۳۸۷/۱/۱.
۲. بیانات در صحن جامع رضوی ۱۳۸۴/۱/۱.
۳. متن کیفرخواست اولین گروه از متهمان پروژه کودتای مخملی.
۴. سخنرانی در دیدار با خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان شهرهای خوی، بندر گناوه و استان‌های مازندران و آذربایجان غربی، گروه‌هایی از دانشجویان، جمعی از مهاجران جنگ تحمیلی، کشاورزان و مسئولان هیئت‌های هفت نفره واگذاری زمین؛ سال ۱۳۶۹.
۵. روزنامه کیهان، سه‌شنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۰، شماره ۱۹۹۴۴.
۶. بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته دولت، سال ۱۳۷۴.

۱۲- منحرف‌سازی افکار از رهنمودها و شاخص‌سازی‌های رهبری

با استفاده از جریان‌اتنفوذی و با حاشیه‌سازی و بحران‌سازی، تلاش می‌شود تمامی همت‌ها و تلاش‌ها از چشم‌اندازهای ترسیم‌شده رهبری غافل شود. مانند جریان انحرافی که با سوء استفاده از رئیس‌جمهور تلاش کرد سال «جهاد اقتصادی» را به سالی پر از جنجال و حاشیه تبدیل کند.

۱۳- القاء جانبداری رهبری از جریان‌ات و اشخاص خاص

نمونه‌های متعددی در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری رخ می‌نماید و با پوشش رسانه‌ای گسترده تلاش می‌کنند رأی مخفی رهبری را پیش‌خوانی کنند و ایشان را به جانبداری از اشخاص و جریان‌ات متهم کنند و حال آن‌که معظم‌له فقط به تبیین شاخصه می‌پردازند و از مصداق‌گویی خودداری می‌کنند.

۱۴- القاء تقابل رهبری و مردم

نظرسنجی‌های ساختگی و سفارشی مانند نمونه‌ای که در اصفهان توسط عوامل سازمان‌های نامشروع مجاهدین انقلاب اسلامی ایران در زمان لشکرکشی آمریکا به عراق صورت گرفت.

۱۵- القاء تقابل رهبری با روحانیت و مرجعیت

سوء استفاده از موضع‌گیری‌های روحانیون در مسائل سیاسی و در تقابل هم معرفی کردن آنها به عنوان نمونه اعتراضات علما به احمدی‌نژاد را به معنی مخالفت با رهبری قلمداد می‌کردند و یا عدم دیدار یکی از مراجع قم در سفر معظم‌له به قم با ایشان که همچنان موضع سوء استفاده دشمنان اسلام است.

۱۶- القاء عدم محبوبیت

دروغ پراکنی و بزرگ‌نمایی تعداد دشمنان و منحرفان.

۱۷- القاء عدم قاطعیت

مماشات و مصالحت‌سنجی‌های کلی رهبری در مقابل برخی جریان‌ات و اشخاص مرتبط با انقلاب و نظام با توجه به منافع ملی، موجب سوء استفاده و تبلیغ علیه رهبری می‌شود.

۱۸- تفسیر نابجا و غیرواقعی از ولایت‌مطلقه

تبیین مخدوش عوامل منحرف و حتی روحانیون غرب‌زده از مفهوم ولایت‌فقیه و تلاش در بی‌مبنا توصیف کردن آن و نیز تعدد مساوی قرارداد قید مطلقه در ولایت‌فقیه با دیکتاتوری.

۱۹- افراد و جریان‌ات نفوذی

۱. افراد و جریان‌ات مبتلا به فسادهای سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و...؛
۲. استفاده از ناآگاهی و عدم بصیرت افراد و جریان‌ات سیاسی، مذهبی؛
۳. استفاده از نهادهای بین‌المللی؛
۴. استفاده از ضعف شخصیتی و عملی چهره‌های مرتبط با نظام؛
۵. استفاده از آقازاده‌ها و عوامل مرتبط با آن‌ها؛
۶. سوء استفاده از شکاف‌های امنیتی و اعتقادی و سیاسی؛
۷. رسانه‌های داخلی (اعم از مجلات زرد و سکولار و وابسته به مدعیان اصلاحات و روزنامه‌های زنجیره‌ای با مدیران فاسد و غرب‌زده).

انگیزه‌های مقابله با رهبری نظام

انگیزه‌های مقابله با رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، گذشته از تعارض ماهوی و اندیشه‌ای با جمهوری اسلامی ایران، به عملکرد موفقیت‌آمیز رهبری نیز برمی‌گردد. «شیخ خالد عبدالوهاب الملا (رئیس مجمع علمای اهل سنت جنوب عراق) می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران با چالش‌ها و تهدیدات فراوانی از سوی استکبار جهانی مواجه شده است، لیکن رهبری آیت‌الله خامنه‌ای سبب ناکامی این نقشه‌ها شده و ایران در حال رشد و توسعه است. قدرت و جایگاه والای ایران، سبب احترام همه مسلمانان به این کشور شده است.»^۲

آن کسانی که به خیال خودشان سبب‌های جمهوری اسلامی را می‌شمردند و جرائمش را سباهه می‌کردند، یکی از مواردی که نام می‌برند این بود که ایران برای کشورهای دیگر الگو شده است. حق هم با آن‌هاست. امروز ایران اسلامی در دنیا وضعیت این گونه است.